ابراز نگرانی روسیه از فعالیت‌های هسته‌ای در ایران

در هفته گذشته پس از انتشار اطلاعاتی در جراید آمریکایی مبنی بر اینکه تهران در یکی از تاسیسات خود شبکه‌ای از شتاب‌دهنده‌های مخصوص غنی‌ساختن اورانیوم مستقر کرده است، وزیر انرژی هسته‌ای روسیه، دومایتسف، ضمن ابراز نگرانی از فعالیتهای هسته‌ای جدید ایران گفت بیم آن دارد که ایران خود را به جنگ‌افزارهای هسته‌ای مجهز نماید. او گفت که تهران ممکن است با استفاده از شتاب‌دهنده برای غنی‌کردن اورانیوم به سلاح اتمی دست یابد.

این جراید نوشته بودند که این عمل به کمک تکنولوژیهای یک شرکت آمریکایی انجام گرفته است. دومایتسف در رابطه با اخبار منتشر شده در جراید آمریکا گفت اگر چنین خبری حقیقت داشته باشد وضع نگران‌کننده خواهد بود. او اظهار تاسف کرد که آمریکا از یک سو ایران و روسیه را برای همکاری اتمی آنها مورد انتقاد قرار می‌دهد و از سوی دیگر یک شرکت آمریکایی تصمیم می‌گیرد کارخانه‌ای مهم برای غنی‌ساختن اورانیوم در ایران بر پا کند.

اظهار نگرانی روسیه با توجه به اینکه روسیه خود در حال ساختن نیروگاه اتمی بوشهر است، قابل توجه به نظر می‌رسد.

روسیه در سالهای اخیر همواره از ناحیه آمریکا برای خودداری از تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر تحت فشار بوده است و با وجود ادامه این همکاریها روسیه هنوز نتوانسته با ایران قرارداد بازگرداندن سوخت اتمی مصرف‌شده را به امضا برساند. در صورت امضای این قرارداد ایران موظف خواهد شد سوخت اتمی را که از سوی روسیه در اختیار نیروگاه بوشهر قرار می‌گیرد پس از استفاده به روسیه بازگرداند. با استفاده از این سوختهای مصرف‌شده ایران به اورانیوم غنی‌شده بسه استقلال عمل خواهد رسید و در آینده الزاما وابسته به روسها نخواهد ماند.

نگران است که ایران در آینده نزدیک در مسئله دسترسی به سوخت اتمی از کنترل و نظارت روسیه خارج شود.

مسئله مهم دیگری که مطرح است در مورد جنبه‌های نظامی برنامه هسته‌ای است. ایران از امضای پروتکل الحاقی به یکی از کنوانسیونهای مهم معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای خودداری می‌کند. در صورت امضای این پروتکل این سازمان قادر خواهد بود بدون اطلاع قبلی از تاسیسات مربوطه در ایران بازدید کند.

آنچه که در رسانه‌های آمریکایی مطرح شده بود استفاده از تکنولوژی یک شرکت آمریکایی برای غنی‌سازی اورانیوم بوده است، نه همکاری مستقیم یک شرکت آمریکایی.

در صورتیکه روسیه اطلاعاتی در زمینه این همکاری مستقیم داشته باشد مسئله بعد دیگری به خود می‌گیرد، ولی اگر مسئله محدود به استفاده از آن تکنولوژی باشد موضوع تازه‌ای نیست، زیراکه دولت ایران سالهاست که از طریق شرکتهای واسط در استرالیا، انگلیس و سوییس دستگاهها و تجهیزات تحقیقاتی مورد نیاز را وارد می‌کند.

این تغییر موضع ناگهانی روسیه را می‌توان به دو گونه تعبیر کرد. یک احتمال این است که با توجه به شرایط کنونی منطقه بعد از جنگ عراق، روسیه با آمریکا به توافقی رسیده باشد و روسیه بخواهد در ازای این توافق همکاریهای خود را با ایران در این زمینه کاهش دهد. و احتمال دیگر این است که روسها با این روش بخواهند ایران را برای امضای قرارداد بازگرداندن سوخت مصرف‌شده تحت فشار بگذارند، زیراکه در غیر این صورت با دستیابی ایران به اورانیوم غنی‌شده بسه استقلال عمل خواهد رسید و در آینده الزاما وابسته به روسها نخواهد ماند.

خطای فاحش چپ‌های عرب در اتحاد با ناسیونالیست‌ها

ادامه از صفحه ۱۲

خشن، خود را احیاء نماید. حتی سیاست لیبرالی سادات نیز تنها به جنبش سوسیال دمکراسی اجازه رشد داد که هیچگاه اهمیت سیاسی جنبش کارگری در سال‌های ۴۰ را پیدا نکرد.

سودان – اتحاد حزبی

حزب کمونیست سودان اساسا به وسیله دانشجویانی که به خارج رفته بودند و برخاسته از جنبش رهایی ملی مصر به شمار می‌آمدند، تاسیس گشت. این حزب سال‌ها به عنوان نماینده قاطع سیاست چپ دمکرات، لائیک و سکولار در سودان نقش‌بازی کرد. حزبی که مدافع برحق جنوبی‌های سرکوب‌شده در مقابل شمالی‌های برتری‌جو در سودان بود. این سیاست برای سودان که در واقع بخشا عرب و مسلمان محسوب می‌شد و برای اعراب تنها نقش پلی به سوی آفریقا را بازی می‌کرد، جایگاه مهمی در حل اختلافات و برادرکشی‌های سودانی‌ها داشت.

جنبش کمونیستی سودان از ابتدا خود را با جنبش زنان پیوند زد و اساسا از نیرو و خدمات جنبش‌های سندیکایی و دهقانی بهره می‌برد. با وجود این اساسا در چهارچوب عرب‌های شمال سودان باقی ماند و با این که هیچ‌گاه رسما همکاری و پیوند با ارتش ملی ناسیونالیست را اعلام نکرد، اما نقش بزرگی در سرنگونی رژیم عبود بازی کرد و پس از آن نیز سعی نمود در تعیین سیاست‌های رژیم نمیری سهم تعیین‌کننده‌ای به عهده گیرد و از آن موقعیتی که بعد از تشکیل حکومت توسط ژنرال نمیری و اتحاد سوسیالیست‌های سودان بوجود آمد، حزب کمونیست توانست جان تازه‌ای به خود بگیرد و بر یک جنبش کارگری غیرواپسته تکیه کند. اما در ادامه و در سال‌های ۱۹۶۱ به بعد، نمیری توانست با یک یورش حساب‌شده، کمونیست‌ها، رهبران سندیکاها و تار و پود حزب کمونیست را سرکوب کرده و ازهم بپاشاند.

حزب کمونیست بعد از این سرکوب توانست خود را مجددا به طور پنهانی سازماندهی کند و در سال ۱۹۸۵ در سرنگونی رژیم نمیری نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا نماید و پس از آن نیز در مقابله با رژیم اسلامی عمر آل بشیر در چهارچوب اتحادیه ناسیونال – دمکرات‌ها که دمکرات‌های مخالف رژیم را در خود جای داده بود، فعال شد. اولویت سیاست ضدامپریالیستی که در حزب کمونیست ریشه داشت، به مرور تغییر کرده و از آن پس این حزب مبارزه با رژیم سودان را در اولویت مبارزه خود قرار داده است.

عراق – شوارت مرک‌بار

حزب کمونیست عراق از یک گروه مارکسیستی در تصبریه تشکیل شد و در سال ۱۹۳۴ رسما تاسیس گردید. این حزب که ابتدا اساسا متشکل از دانشجویان و روشنفکران بود، با حمایت از رژیم رشید علی که ضد استعمار انگلیس بود، رشد نسبتا خوبی پیدا کرد و بعد از تجدید نظر اساسی حول دیدگاه حمایت از رژیم که این حزب در شروع تاسیس خود داشت، توانست پایگاه توده‌ای بیشتری کسب کند.

در سال ۱۹۵۸ انگلیسی‌ها توانستند مجددا بر عراق حکومت کنند و در نتیجه یک جبهه مقاومت ملی متشکل از حزب کمونیست، ناسیونال – دمکرات‌ها، حزب استقلال و حزب بعث در تقابل با انگلیسی‌ها شکل گرفت و در پی آن حزب کمونیست توانست نقش جناح چپ را در رژیم قاسم در عراق بازی کند و به یکی از قوی‌ترین احزاب کمونیست در کشورهای عربی تبدیل شد. اما پس از آن از جانب حزب بعث و ناسیونالیست‌های عرب تحمل نشد و تا سال ۱۹۶۱، ۲۸۶ عضو و هوادار حزب به قتل رسیدند و هزاران نفر که مظنون به همکاری با حزب کمونیست عراق بودند، ناچار به فرار از کشور گردیدند.

رژیم قاسم نه تنها از حزب کمونیست حمایت نکرد، بلکه توصیه نمود تا با یک راه حل میانی، حزب کمونیست منحل شود و حزب دیگری تاسیس گردد که به نفع ناسیونالیست‌های عرب، دخالتی در حکومت نداشته باشد و کاملا محدود و حساب‌شده فعالیت نماید. و بالاخره در سال ۱۹۶۳ رژیم قاسم توسط حزب بعث و ناسیونالیست‌ها برکنار گردید، در حالی که توانست با مسلح‌نمودن توده‌ها که حامی وی محسوب می‌شدند، قاطعانه علیه حزب بعث و ناسیونالیست‌ها بجنگند.

اما در نتیجه این سیاست معکوس، حمام خونی علیه چپ‌های عراق به راه افتاد که در خاورمیانه بی‌نظیر بود. به کلیه منازل اعضای حزب یورش برده شد و به هواداران آن در خیابان‌ها تیرانداز صورت گرفت. شمار اعضای دستگیرشده آنچنان زیاد بود که از استادیوم‌های ورزشی به جای زندان استفاده می‌کردند و دستگیرشدگان اغلب در همان منطقه اعدام و کشته شدند.

با این حال حزب بعث تا مدت‌ها نتوانست به حکومت خود استحکام ببخشد و مدام توسط ناسیونالیست‌ها به بیرون از حکومت پرتاب می‌شد و مجددا تلاش خود را آغاز می‌کرد.

حزب کمونیست به تبع وابستگی‌اش به سیاست خارجی حزب کمونیست شوروی و به دلیل بهبود رابطه دولت‌های مصر و عراق با اتحاد شوروی و توقف جنگ با کردها، سیاست خود را نسبت به حکومت عوض کرده، حکومت بعث را حکومتی ضدسرمایه‌داری ارزیابی نموده و سیاست مماشات را در پیش گرفت.

این سیاست با تقابل جدی در پایه حزب کمونیست روبرو شد و جناح قوی‌تر در حزب تصمیم به مقابله مسلحانه با رژیم گرفت. عاقبت اختلاف عمیق در استراتژی و تاکتیک حزب کمونیست باعث انشعاب در این حزب گردید.

بعد از تثبیت حزب بعث در حکومت، شوهای تلویزیونی از دادگاه‌های فرمایشی و اعترافات اجباری و ساختگی اعضای حزب کمونیست شروع شد. رهبران حزب اعدام گشتند. پهودیان در ملاء عام به دار آویخته شدند و حتی ناسیونالیست‌های عرب که از خط بعث فاصله گرفته بودند، قربانی سیاست حکومت بعث گردیدند.

در همان حال حزب بعث خود را حامی اتحاد شوروی و ضد امپریالیست واقعی معرفی می‌کرد و در نتیجه حزب کمونیست عراق با وجود همه جنایت‌هایی که توسط حزب بعث صورت می‌گرفت، تحت تاثیر اتحاد شوروی، همچنان سیاست مماشات را طی می‌کرد و درست به همین دلیل نفوذ و پایگاه خود را در درون حزب و بین توده‌ها از دست می‌داد. و با این که از جانب حزب بعث تنها توانست مجوز تاسیس یک سازمان ملی پیشگامان را، آن هم تحت نظر حکومت دریافت کند، همچنان در چهارچوب رژیم بعث باقی ماند و معتقد بود که این رژیم راه رشد غیرسرمایه‌داری را طی می‌کند و باید حمایت شود.

سرانجام در سال ۱۹۷۲ حزب کمونیست توانست بعد از اتحاد با بعث‌روزاری ملی به حکومت راه پیدا کند و یک وزیر کمونیست را در دستگاه دولت وارد نماید، و به این ترتیب با قانونی‌کردن حزب کمونیست و امکانات وسیع تبلیغی توانست پایگاه توده‌ای خود را نیز نسبتا وسعت ببخشد. هرچند که اندک اندک از اعتقادات کمونیستی خود نیز فاصله می‌گرفت. برای مثال از سرکوب خلق کرد توسط رژیم بعث در سال‌های ۱۹۷۴، ۱۹۷۵ حمایت کرد و این سیاست باعث تقویت هر چه بیشتر حکومت بعث در عراق گردید.

اما در سال‌ها پایانی دهه ۷۰، بعد از تعمیق دیکتاتوری صدام حسین و کنترل هر چه بیشتر حزب بعث بر جامعه و سیاست پاکسازی جامعه بر اساس حمایت مطلق از حزب بعث و صدام حسین، جدایی حزب کمونیست از حکومت نیز ابعاد بیشتری به خود گرفت تا جایی که در روزنامه حزب نام پنام اصحاب انتقادات بیشماری نسبت به عملکرد اقتصادی و سیاسی دولت به ویژه نسبت به کردها درج گردید. سرکوب و اعدام اعضای حزب کمونیست مجددا آغاز شد و نه تنها حزب کمونیست بلکه کلیه احزاب دیگر نیز تحت فشار قرار گرفتند و حزب بعث یکه‌تاز حکومت عراق شد.

از آنجاکه فقط اعضای بعث حق دفاع از کشور را داشتند، کلیه سیاسیون و اعضای احزاب غیربعثی در ارتش تصفیه، دستگیر و اعدام شدند. بنابر آماری که حزب کمونیست می‌داد، در دهه ۷۰، ۷۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ عضو حزب به قتل رسیدند و با آغاز جنگ با ایران در ۱۹۸۰، سیاست تصفیه، سرکوب و اعدام با شدت بیشتری دنبال گردید و بزرگترین حزب کارگری در مناطق اعراب‌نشین به دست صدام حسین سرکوب و نابود و اعضای باقی‌مانده نیز ناچار به خروج از کشور شدند.

سوریه – انشعاب و همکاریی

در سوریه نیز بعد از به قدرت رسیدن حکومت بعث که البته تفاوت ماهوی نسبت به حزب بعث عراق داشت، حزب کمونیست سوریه خود را به رژیم نزدیک کرد. حزب بعث سوریه که اساسا شامل اقلیت‌های علوی و مسیحی می‌شد، سیاست خود را با خشونت کمتری از عراق به پیش برد.

حافظ اسد با سیاست ضدامپریالیستی و ضدصهیونیستی خود که اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناخت، جذابیت بیشتری برای حزب کمونیست سوریه داشت. اما چنین جذابیتی به قیمت انشعاب در حزب تمام شد. در حالی که یک جناح از حزب کمونیست سوریه در رژیم بعث باقی ماند و نماینده خود را به عنوان وزیر در دولت بعث جای داد، جناح دیگر سال‌ها در زندان‌های سوریه در حال شکنجه‌شدن بود. هر چند که حتی این جناح نیز مرزبندی قاطعی با حزب بعث نداشت.

بعد از حافظ اسد، در سال ۲۰۰۰ مناسبات جناح مخالف حزب کمونیست و رژیم اسد جوان، بهتر از گذشته شد و این مناسبات منجر به آزادی اعضای آن از زندان‌ها و معرفی این جناح در میان توده‌ها گردید.

جمع‌بندی – اتحاد احزاب کمونیست عربی با ناسیونالیسم عربی به فاجعه انجامید

مقایسه بین توسعه سیاسی چپ در کشورهای مختلف عربی نشان می‌دهد که اتحاد احزاب کمونیست با ناسیونالیست‌های عربی صرفنظر از این که حزب بعث باشند یا ارتش ملی، فارغ از این که جناحی از حزب کمونیست در رژیم شرکت کرده باشند یا تار و پودشان درهم ریخته شده و با اعضای آن در مقیاس بزرگ تار و مار شده باشند، در نهایت به فاجعه و شکست انجامیده است و این سیاست بر جنبش کارگری مستقل موجود در این کشورها نقطه پایان گذارده است.

هر چند در سودان که حزب کمونیست مجددا خود را به طور مخفیانه بازسازی کرد، توانست تا حدی خود را از این شوک نجات ببخشد و حزب را بخشا احیا کند. اما سایر احزاب کمونیست تا چایی که از سیاست اتحاد شوروی در دوران جنگ سرد مبنی بر اتحاد با ناسیونالیست‌های ضدامپریالیست و طرفداران تز راه رشد غیرسرمایه‌داری پیروزی می‌کردند، عاقبتی جز شکست و نابودی نصیبشان نشد.

البته باید افزود، تنها سیاست خارجی شوروی نبود که این احزاب را به سمت اتحاد با ناسیونالیست‌های عربی سوق می‌داد، بلکه وجود کشور اسرائیل و اختلاف با صهیونیسم نیز باعث می‌شد که احزاب کمونیست کشورهای عربی نزدیکی بیشتری با ناسیونالیسم عربی احساس کنند. و زمانی که پی بردند که این اتحاد منجر به نابودی جنبش مستقل کارگری در این کشورها می‌گردد، بسیار دیر بود.

بیانیه پلنوم کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

در باره اوضاع منطقه و تحولات عراق

جنگ آمریکا و متحدانش علیه دولت عراق در واقع پیش از سه‌هفته‌به طول نیانجامید. زیرا پس از آن که روز نوز دهم فروردین ماه ۱۳۸۲ (۸ آوریل ۲۰۰۳) رستورانی در محله «المنصور» بغداد – به گمان این‌که صدام حسین و پسرانش در آن محل با برخی از سران نظامی عراق جلسه دارند – بمباران گردید، صبح روز بعد نشانی از اقتدار دولتی (انتظامی، امنیتی، اداری و...) در بغداد باقی نماند و چون پیشتر تیز شهر بصره و بسیاری دیگر از شهرهای جنوبی عرق به تصرف نیروهای هم‌پیمان درآمده بودند، این رویداد به عنوان پایان‌کار حکومت صدام‌حسین و حزب بعث در عراق تلقی گردید. با توجه به این وضع بود که در بغداد و دیگر شهرهای عراق هر چاکه امکان داشت بسر بزد، در کردستان، مردم به خیابان‌ها ریختند و به شادی و سرور پرداختند. به دنبال این وضع گرچه اینجا و آنجا مقاومت‌های پراکنده‌ای مشاهده گردید، لیکن اکثر شهرها از جمله دو شهر بزرگ موصل و کرکوک بدون مقاومت تسلیم شدند و سرانجام روز ۲۵ فروردین ماه به دنبال سقوط شهر تکریت جنگ به پایان رسید.

همان‌طورکه در هر جنگی قابل پیش‌بینی است، این جنگ نیز که در آن مدرن‌ترین تکنولوژی نظامی به‌کار گرفته شد، زیان‌های جانی و خسارات مالی و صدای فراوانی به دنبال داشت که اطلاع از شمار دقیق تلفات و میزان درست خسارات، نیاز به زمان بیشتری دارد. لیکن خوشبختانه پاره‌ای نگرانی‌ها در مورد احتمال حمله موشکی ارتش عراق به کردستان و کشورهای همسایه و به کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی و به آتش‌کشیدن چاه‌های نفت تحق نپذیرفت و مهمتر از آن با توجه به وسعت، شدت و حجم موشک‌باران‌ها و بمباران‌ها، می‌توان گفت که تلفات جانی مردم بی‌دفاع زیاد نبود. تنها پدیده، اسف‌انگیز که در این میان مشاهده شد، همانا غارت و چپاولی بود که در بغداد و اغلب شهرهای عراق صورت گرفت و در برخی نقاط ولو در مقیاسی محدود منجر به تصفیه‌حساب‌ها و انتقام‌کشی‌های شخصی نیز گردید.

پیش از آغاز جنگ و در جریان جنگ نیز در شمار زیادی از کشورهای جهان، از جمله آمریکا و بریتانیا تظاهرات وسیعی علیه جنگ به راه افتاد، لیکن آمریکا و بریتانیا برحسب سیاست اعلام‌شده، خود، جنگ را آغاز کردند و آن را جنگ آزادی عراق نام نهادند. اکنون که جنگ همان طور که انتظار می‌رفت با پیروزی هم‌پیمانان و سقوط دولت عراق به پایان رسیده، است، مردم جهان در انتظارند ببینند که طرف‌های پیروز به چه شیوه‌ای عمل خواهند کرد و تاچه حدیه وعده‌های خود وفادار خواهند ماند.

می‌دانیم‌که آمریکا و متحدانش با شعار گسترش دمکراسی و ریشه‌کن‌نمودن تروریزم جنگ اخیر علیه عراق را آغاز کردند. در این رابطه سلسله هدف‌هایی را نیز با اپوزیسیون عراق، به ویژه با اپوزیسیون کرد به عمل آوردند و در میادین جنگ نیز نقش قابل توجهی را به اپوزیسیون کرد واگذار کردند.

این امر موجب خوشحالی است که آمریکا در مناسبت‌های مختلف اعلام داشته که پس از یک دوره کوتاه، انتقالی حکومت عراق را به مردم عراق واگذار خواهدکرد و در موردکرده‌ها هم از برقراری یک سیستم فدرال در عراق که در آن کردها به حقوق ملی خود و حقوق برابر با همه هم‌میهنان عراقی دست یابند، حمایت کرده است.

شعاری که آمریکا با آن وارد جنگ علیه عراق گردید «دفاع از آزادی، دمکراسی و مبارزه علیه تروریزم» مورد حمایت بخش اعظم نیروهای اپوزیسیون عراق و آزادیخواهان دیگر کشورهای دیکتاتورزده، می‌باشد. این که آمریکا به عنوان بزرگترین قدرت امروز جهان از تغییر سیمای سیاسی خاورمیانه – به مفهوم از میان برداشتن دیکتاتوری تامین آزادی و دمکراسی برای منطقه – سخن به میان می‌آورد، بارقه امیدی را در دل خلق‌های تحت‌ستم منطقه و مردمان گرفتار در دست واپسگرایی و استبداد به وجود می‌آورد. ما نیز به عنوان یک حزب کردستانی، حزبی که بخش مهم و چشم‌گیری از جامعه کرد را نمایندگی می‌نماید، از حمایت صریح و علنی ایالات متحده آمریکا از حقوق مشروع خلق کرد در کردستان عراق خرسندیم و چشم‌انتظار روزی هستیم که این پشتیبانی در عمل پیاده شده و جنبه رسمی، قانونی و تثبیت شده‌ای را به خود ببیند. لیکن در همان‌حال می‌دانیم که نه عراق تنها کشوری است که کردها بخشی از جمعیت آن را تشکیل می‌دهند و نه آزادی و دمکراسی تنها در عراق پایمال شده است. برای نمونه کشور ما ایران دارای جمعیتی بیش از ۵ میلیون از احاد ملت کرد می‌باشد که از حقوق و آزادی‌های ملی خود و نیز حقوق برابر با دیگر هم‌میهنان خود محروم‌اند. خصومت جمهوری اسلامی با آشتی و آزادی و دمکراسی و تلاش آن در جهت صدور تروریزم نیز مسائلی نیستند که نیاز به اثبات و ارائه مدارک داشته باشند. زیراکه جمهوری اسلامی ایران در این زمینه‌برای جهانیان انگشت‌نما است.

بنابراین آزادیخواهان کشورهای خاورمیانه مشتاقانه در انتظارند که ایالات متحده، آمریکا به وعده‌های خود در مورد دیدن سرنوشت عراق به دست عراقی‌ها و کمک به این‌امر تامین آزادی و دمکراسی در این کشور و در همان حال به انجام رساندن گفتگوهای صلح اسرائیل و فلسطینیان، عمل نموده، و پیگیرانه از مبارزه نیروهای دمکرات و ملی به هدف ریشه‌کن نمودن دیکتاتوری و تغییر سیمای سیاسی خاورمیانه حمایت می‌نماید. در چنین شرایطی است که آمریکا می‌تواند از محبوبیت ویژه‌ای برخوردار گردد و احترام صدها میلیون نفر از خلق‌های تشنه آزادی و عدالت در این منطقه مهم از جهان را به سوی خود جلب نماید. در چنین حالتی مهم این نیست که برخی از رژیم‌های ضدخلقی همچون جمهوری اسلامی که از سست‌شدن و به لرزه افتادن پایه‌های حاکمیت جهنمی خود به هراس افتاده‌اند، چگونه به قضاوت خواهند نشست. مهم این است که خلق‌های منطقه و صاحبان واقعی آینده، این منطقه چگونه به سیاست و عکس‌العمل‌های آمریکا یا هر حکومت منطقه‌ای و بین‌المللی دیگر می‌نگرند.

در خاتمه مایلیم بر این نکته تاکید بگذاریم که برای اراده آزادانه مردم عراق در تعیین سرنوشت خویش نهایت احترام قائلیم و هرگاه آنان بنا بر اراده آزادانه خود به انتخاب یک سیستم حکومتی دلخواه اقدام نمایند به آنان تبریک گفته و به نیروهای خارجی که در این زمینه آنان را به یاری رسانده‌اند، دست‌مریزاد می‌گوییم.

در مورد آنچه به‌کردستان مربوط می‌گردد، مباهات می‌کنیم که کردهای عراق و نیروهای سیاسی آنها توانسته‌اند در ظرف ۱۲ سال گذشته نمونه موفق و مثبتی از اداره خود را به جهانیان ارائه دهند و در پروسه تغییر وضع در عراق نیز نقش چشم‌گیری ایفا نمایند. به همین جهت از صمیم قلب به آنان تبریک می‌گوییم و آرزومندیم این تحول نقطه پایانی بر محنت‌ها و محرومیت‌هایشان باشد و با همکاری دیگر هم‌میهنانشان نمونه موفقیت‌آمیزی از آشتی، همزیستی و اخوت را برای خلق‌های کشورهای همسایه ارائه دهند.

با آرزوی تحقق آشتی، آزادی، دمکراسی، حقوق بشر و حق تعیین سرنوشت برای همه خلق‌های منطقه خاورمیانه

کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران
۲۰ فروردین ماه ۱۳۸۲